

متن پرسش

سلام علیکم: فرموده بودید در پاسخ به یکی از پرسش‌های قبلی ام که یادداشت انقلاب اسلامی طلوع جهانی بین دو جهان را بخوانم و اگر نکته و ابهامی هست مطرح کنم. بعنوان ارادتمند و مطالعه کننده آن یادداشت نکات و سوالی بود که خدمتتان عرض می‌کنم: این جمله دکتر داوری به نظرم قابل نقد و تامل و بررسی است که تا زمانی که راه و منزل دیگری در افق آینده ظاهر نشود نمی‌توان از راه توسعه روگرداند یعنی وقتی چشم اندازی نباشد و مردمان به راه تجدد و نظام مصرف آن بستگی پیدا کرده باشند، انصاف نیست که خرد پشتوانه سیاست و اقتصاد جدید و علم بزرگ تکنولوژیک با بی‌باکی تحقیر شود. خب روی هر دو محور واقعا می‌شود بحث‌های مفصل کرد ولی به نظرم چند مسئله است. آنجا که دکتر داوری می‌نویسند تا رویکردی غیر از توسعه غربی نیامده نباید چشم روی آن بست و فی الحال باید معطوف به آن طرح ریخت، با ایشان همسو و هم جهت نیستم. شاید این حرف در گام اول انقلاب و آنگاه که همچنان ما می‌خواستیم تمدن نوین اسلامی را در قالب مباحث نظری طرح کنیم و الگویی جدید و آنچنان گفتمان سازی نشده، بسیار صحیح و متقن بود ولی الان در گام دوم و شرایط کنونی من به تلقی شخصی خودم ما توانسته ایم در خودآگاهی و ایجاد افقی در شان تمدن جهانی توحیدی هر چند نه آنچنان گسترده نشان دهیم و یک شاهد مثالش واکنش بین المللی و همنوایی جهانی در شهادت حاج قاسم سلیمانی و هم رزمانش بود. در تمدن سازی حکمت عملی مقدم به حکمت نظری است و بایستی متناسب حکمت عمل حکمت نظر را در شئون مختلف به صحنه آورد و به نظرم اینکه اکنون مدارا با توسعه و تکنیک مدرن را پیشه می‌گیریم حتی به شیوه اکل میته صحیح نیست. الحمدلله با وجود موانع و کاستی‌هایی که بود و همچنان تا حدوی هست امروز ما در عرصه های ویژه علوم انسانی با پیگیری حضرت آقا در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند چشم انداز اقتصاد مقاومتی توانسته ایم در مرحله تولید حکمت عملی و نظریه وارد شویم و اکنون راه آن است بصورت فرآیندی از ذیل توسعه و عقل متاثر توسعه گرایی بیرون شده و به جامعه توحیدی تمدن ساز بتدریج بیاندهشیم. خود امام وقتی انقلاب کردند نفروموندند که من همان اول قصد اتصال انقلاب با مدیریت ولی فقیه به حکومت حقه امام عصر (عج) را دارند، بلکه طی فرآیندی ابتدا فرمودند شاه باید برود سپس بحث رفراندوم و بعدا انتخابات خبرگان قانون و تصویب آن و سپس چینش ساختارها ذیل مدیریت کلان ولی فقیه. یعنی امام به دموکراسی و توسعه سیاسی غربی اصالت نداد و با آن مدارا نکرد و آن را اکل میته بکار نبرد بلکه بتدریج با حکمت برخاسته از متن ایمان اسلامی سعی کرد اولاً فضا را به سوی تفکر در عالم دینی ببرد و اصالت عقل مدرن و غیر قدسی را کنار بزند سپس با آرامی و

حادثه ساز و اتفاق محور کار نهاد سازی و تکمیل انقلاب را جلو بردند. هر چند من هم باور دارم دکتر داوری واقعا دغدغه خروج از ذیل مدرنیته بسوی تمدن برتر اسلامی را دارند و البته صبر و تانی را راهکار آن می دانند و قطعاً من هم‌نوا با ایشان هستم که ما به هر جهت با عقل مدرن و تکنیک معطوف به توسعه روبرو هستیم و حوالت تاریخی داریم و نمی شود از آن هم فرار کرد و انزوا و انفعال یا سلفی گری را برگزید، ولی با وجود حوالت تاریخی ما امکان تاریخ سازی و تغییر مناسبات را داریم و رویکرد ما نبایستی گزینش تکنیک و طرح های توسعه از دریچه و نگاه خود باشد و گزینشی یا شاید تلفیق بدین صورت کار کنیم، به نظرم همانطور که عرض شد ابتدا مسئله مستحده تمدن اسلامی و انقلاب را بشناسیم و عالم انسان دینی را مبنا بگذاریم سپس به نقد مدرنیته و عدم اصالت به جوهره و توسعه برخاسته از آن بپردازیم، وقتی اذهان و افکار بدون اصالت دادن به انسان ابزار ساز مدرن و تمام ابعاد و روح مدرن، محوریت را عالم انسان دینی قرار داد به نظرم همانطور که فرمودید چون انقلاب از جنس وجود است و تشکیک و مراتب دارد، در طول فرآیندی تدریجاً اسباب و مکانیزم را حقیقتاً متناسب با عقل و ادب و قلب قدسی می کند. ولی فی الحال توجه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی واقعا افق متعالی و اثر گذار و بزنگاهی برای ماست که رهبر عزیز هم به آن تاکید دارند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده نیز در افقی که انقلاب اسلامی مقابل ما گشوده است، چیزی جز پای گذاردن در توسعه را می یابم و معتقدم هرآنچه بر حضور تاریخی خود تأکید کنیم و با رفع موانع جلو برویم، نتیجه می گیریم و هراندازه به توسعه نزدیک شویم، فرصت ها را از دست می دهیم. با این همه حرف دکتر داوری آن است که این راه، نزدیک نیست و با آرزوهای مذهبی های احساساتی محقق نمی شود. و در جواب «دبیرخانه_هم اندیشی_علم_دینی» می فرماید آنچه را که شما نزدیک می بینید، من دور می بینم. اگر عنایت داشته باشید در نوشته ی «انقلاب اسلامی، جهانی بین دو جهان» در جایی عرض می شود از این جا به بعد بنده با جناب آقای دکتر داوری همراهی نمی کنم. با این همه باید در مورد انقلاب اسلامی به جهانی که بین دو جهان است، فکر کرد. در ضمن آقای دکتر داوری در جواب دو پرسشی که دبیرخانه_هم اندیشی_علم_دینی اخیراً از ایشان کرده اند جوابی داده اند که ما را در اندیشیدن به تاریخی که در آن هستیم، کمک می کند. جواب های ایشان را اگر پیام رسانی در ایتا دارید بفرمایید تا برایتان ارسال کنم. موفق باشید